**ملاصدرا و حکمت متعالیه**

**نويسنده : ذکاوتی قراگزلو، علی رضا**

ملاصدرا و حکمت متعالیه (مجموعه مقالات همایش جهانى حکیم ملاصدرا). بنیاد حکمت اسلامى صدرا. 2 جلد. تهران 1380. وزیرى.

از همایش جهانى ملاصدرا (خرداد 78، تهران) که با تمهیدات چند ساله و تبلیغات فراوان برگزار شد آنچه تاکنون به دست عموم خوانندگان مى‏رسد دو مجلد «گزیده مقالات فارسى» است که البته چهار مقاله آن از انگلیسى و یک مقاله از عربى ترجمه شده است و مجموعا 64 مقاله مى‏باشد. از جمله اهداف این همایش معرفى حکمت متعالیه به جهان غرب بوده که باید منتظر انعکاسات آن در آینده باشیم. آنچه هست مجموعه حاضر براى خواننده متوسط‏الحال و حتى متخصصان سودمند است و البته از «بنیاد حکمت اسلامى صدرا» انتظار آن هست که در انتشار آثار چاپ نشده حکیم و نیز عرضه کتابهاى چاپ شده با تصحیح و ویرایش جدید و حتى‏المقدور به صورت یک شکل و با قیمت مناسب اقدام نمایند و نیز با ترجمه و نشر آثار ملاصدرا ـ خصوصا رسالات کم‏حجم ـ به همت مترجمان شایسته فواید آن را عمومیت بخشند.

با آنکه مقالات گردآورى شده در این دو مجلد قاعدتا منتخب است و از میان تعدادى چند برابر برگزیده شده، بین همین مقالات بعضى برجسته است که یا مضامین تازه و یا تقریر تازه‏اى دارد که به برخى اشاره مى‏کنیم و خواننده را به اصل کتاب ارجاع مى‏دهیم:

آلب ارسلان آچیک گنج، اسفار اربعه را با مباحث فلسفى بدین‏گونه تطبیق نموده است (ج 1/ ص 8): سفر اول: وجودشناسى (من‏الخلق الى الحق)؛ سفر دوم: فلسفه طبیعت یا جهان‏شناسى (من‏الحق الى الخلق بالحق)؛ سفر سوم: کلام یا الهیات (فى‏الحق بالحق)؛ سفر چهارم: انسان‏شناسى و معادشناسى (بالحق فى الخلق). که توحیه معقولى است (و نیز رک ج 1، ص 54).

هرمان لندُلْت، در مقاله «فهم هانرى کربن از ملاصدرا» به نکات مهمى اشاره مى‏کند: مابعدالطبیعه انقلابى ملاصدرا (ج 1، ص 24)، توجه خاص به تعلیقات ملاصدرا بر حکمة‏الاشراق سهروردى و بالأخره تأکید کربن بر معادشناسى شیعه طبق بیان ملاصدرا. رویکرد شیعیانه ویژه ملاصدرا در شرح اصول کافى هویدا است (ج 1، ص 25).

در مقاله «علم و علما از نظر ملاصدرا» به نقل از شرح اصول کافىِ ملاصدرا آمده است: هر کسى که علم خود را از طریق روایت یا شنیدن یا به واسطه یا بى‏واسطه گرفته باشد عالم حقیقى نیست چراکه ممکن است به علم خود شک کند و چه بسا علمش زایل شود. اما کسى که علم خود را با برهان قدسى و الهام الهى به دست آورده باشد علم او زایل نمى‏شود (ج 1، ص 38).

در مقاله کارل و. ارنست نقل قولهاى ملاصدرا از عرفا به صورت آمارى احصاء شده که پیداست از همه بیشتر رجوع و ارجاع به ابن عربى است (227 مورد). به قونوى و قیصرى (جمعا 27 مورد)، غزالى (38 مورد)، علاءالدوله (9 مورد) نیز اشاره شده است (ج 1، ص 55). البته فهرست اعلام چاپ 9 جلدى اسفار کامل نیست و یقینا تعداد مراجعات و ارجاعات بیش از اینهاست، خصوصا که همه جا ملاصدرا تصریح به نام نکرده، مثلاً از محیى‏الدین به «صاحب فتوحات» تعبیر کرده است و اگر دقیق بررسى شود آنگاه نتیجه‏گیریهاى آمارى درست‏تر خواهد بود. در همین مقاله کتب حکمت و حکماى مورد اشاره در اسفار نیز احصاء شده که نقل قول از اثولوجیا (188 مورد)، از شخص ارسطو (55 مورد)، از افلاطون (133 مورد) و از اسکندر افرودیسى 67 مورد است. بین حکماى اسلامى نقل قول از بوعلى سینا 767 مورد، سهروردى 283 مورد، فخر رازى 195 مورد، طوسى 160 مورد، دوانى 133 مورد، میرداماد 73 مورد است. نکته‏اى که درباره عرفا گفتیم اینجا نیز صدق مى‏کند زیرا ممکن است نقل قول از بوعلى تحت نام بوعلى نباشد و لذا ارجاعات ملاصدرا به حکما بیش از این ارقام خواهد بود.

در مقاله «سیرى در نقد افکار ملاصدرا طى چهار قرن اخیر» (به قلم علیرضا ذکاوتى قراگزلو) به مهم‏ترین منتقدان ملاصدرا از زمان خود او تا زمان ما اشاره شده که البته مى‏توان بحث را بسط داد و یک رساله از آن بیرون آورد (ج 1، ص 106ـ93).

مقاله «دورنمایى از زندگانى صدرالمتألهین شیرازى» (به قلم استاد على دوانى)، نکات ارزنده‏اى در احوال ملاصدرا دارد از جمله اینکه هفت سفر مشهور ملاصدرا به حج درست نیست و ملاصدرا در راه اولین حج در بصره مرحوم شده و در نجف به خاک سپرده شده است چنانکه عبدالرزاق لاهیجى شاگرد و داماد ملاصدرا مى‏سراید (ج 1، ص 143):

|  |  |
| --- | --- |
| زان پیشتر که جسم رهِ کعبه طى کند  | شوقش به وصل کعبه جانها رساند راست  |
| در راه کعبه مرده و آسوده در نجف  | اى من فداى خاک تو این مرتبت کراست؟  |

گفتار «حکمت متعالیه صدرالمتألهین» (به قلم آیت‏الله جوادى آملى)، که قبلاً نیز در چند جا چاپ شده بود، در کتاب نقل شده (ج 1، ص 208ـ183) و آن تقریرى ارزنده است از تحلیل درونى حکمت صدرایى و تطبیق آن با تحول روحى آن حکیم، یک نکته مهم در این مقاله این است که ملاصدرا تألیف اسفار را همزمان با کتب دیگر خود پیش مى‏برده، چنانکه در اسفار به آن کتابها و در آن کتابها به اسفار اشاره شده است. (ج 1، ص 205).

مقاله الیور لیمن با عنوان «وجود عینیت خیال در فلسفه اسلامى» بحثى عالمانه در موضوع تجرد خیال است (ج 1، ص 365ـ243).

مقاله «نقدى بر وجود ذهنى از دیدگاه صدرالمتألهین» خواندنى است (ج 1، ص 317).

مقاله «تبیین وجودى زمان در نظام فلسفى صدرالمتألهین» (نوشته رضا اکبریان)، عالمانه و دقیق است. صدرا زمان را مرتبه نازلى از وجود مى‏داند (ج 1، ص 372). از همین نویسنده مقاله «حرکت جوهرى» نیز عالمانه و دقیق است (ج 2، ص 251).

در مقاله «روح افلاطونى در فلسفه ملاصدرا» (نوشته آیت‏الله سید محمد خامنه‏اى)، راجع به اطلاقات روح و نفس بحث مى‏شود، و اینکه آیا نظریه جسمانیة‏الحدوث بدون نفس با تقدم روح بر بدن (مضمون بعضى روایات) مى‏سازد؟ در هر حال ملاصدرا در این مسئله هم مثل خیلى مسائل دیگر روش تلفیق و جمع را به کار گرفته است.

مقاله «مثل افلاطونى از نظر صدرالمتألهین» (نوشته خانم زهرا مصطفوى)، (ج 2، ص 1ـ23) خواندنى است (و نیز رک. ج 2، ص 162ـ143).

«تحلیل انتقادى مسئله اصالت وجود» عنوان مقاله سیدیحیى یثربى است (ج 2، ص 48ـ27). نویسنده نتیجه‏گیرى مى‏کند که اصالت وجود یا اصالت ماهیت از نظر مبانى معرفت‏شناختى یکسان است حال آنکه از دیدگاه عرفانى ادراک مسائل وجود وراى حس و عقل است (ج 2، ص 45 و 46). به نظر نویسنده از لحاظ فلسفى اصالت وجود به معناى عرفانى مشکل‏گشا و کارساز است نه اصالت وجود به معناى صدرایى آن (ص 43 و 44).

مقاله ابراهیم کلمین با عنوان «دیدگاه ملاصدرا درباره حرکت، مرز میان فیزیک و ماوراءالطبیعه» (ج 2، ص 142ـ119). موضوع جالبى دارد و نتیجه مى‏گیرد صدرا فاصله فیزیک و متافیزیک را کم کرده است (ج 2، ص 142).

سلمان البدور دانشمند اردنى، مبحث وجود را موشکافى کرده (ج 2، ص 187).

على ربانى گلپایگانى حدوث جهان از دید حکیم صدرا را حلاجى کرده است (ج 2، ص 211).

سیدحسین موسویان مى‏نویسد: ملاصدرا بحث حدوث را از مطالب «هل» به مطالب «ما» برده، تا تصور درستى از حدوث نداشته باشیم؛ تصدیق حکمى در باب آن دشوار است (ج 2، ص 249).

احمد بهشتى مقاله «علم واجب‏الوجود از دیدگاه صدرالمتألهین» را نوشته که پیشتر نیز چاپ شده بود (ج 2، ص 329ـ307).

دو مقاله «حکمت مدنى در نگاه صدرالمتألهین» و «جایگاه سیاست در منظومه فکرى ملاصدرا» چیز تازه‏اى ندارد و همین قدر نشان مى‏دهد که آن اندیشمند فرزانه از وضع زمانه خود ناراضى بوده و فرموده است: «مافتنةٌ دخل فى الدین و خللٌ فى عقاید المسلمین الاّ و منشاؤها مخالطة العلماء الناقصین مع حکام الدنیا و السلاطین» (ج 2، ص 82).

علیرضا ذکاوتى‏قراگزلو